

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۲۰

فردوس

صدای روس و ایران، از گلوی نمایندگان



برخی از قانونگذاران، سناتوران و سیاستمداران در این اواخر بحثی را برای مشروعیت‌زدایی از پیمان امنیتی و دفاعی با ایالات متحده آغاز کرده‌اند. این نمایندگان و سیاستمداران می‌گویند از آنجایی که جنگ ادامه دارد و کمپین خونین طالبان برای تسخیر شهرها شدت گرفته است، مشروعیت پیمان امنیتی و دفاعی با امریکا زیر سوال رفته است. سیاستمدارانی مثل حامد کرزی خواستار لغو این پیمان شده‌اند. این سیاستمدارها و نمایندگان گویا انتظار داشتند که امضای پیمان امنیتی با امریکا اثری از طالب برجا نگذارد یا این گروه را چنان تضعیف کند که طالبان ربط خود را با وضعیت از دست بدهند. استدلال این نمایندگان و سیاستمداران اصلاً مرتبط با اوضاع افغانستان نیست. موضع‌گیری نمایندگان که خواستار لغو یا بازبینی پیمان امنیتی و دفاعی با امریکا می‌شوند، بیشتر به موضع‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای ربط دارد.

تردیدی نیست که سیاستمداران به منابع مالی نیاز دارند و برخی از سیاستمداران افغان به لحاظ مالی وابسته به کشورهای دیگر هستند. برای برخی از سیاستمداران، شماری از کشورها به گونه‌ی منظم پول می‌دهند. این موضوع در اسناد ویکی‌لیکس و نوشته‌های مقام‌های پیشین امنیتی به وضوح درج است. کشورهایی که روی برخی از سیاستمداران نفوذ دارند، در مواردی آنان را به حمایت از موضع خودشان وادار می‌سازند. در این اواخر موضع روسیه در قبال افغانستان تغییر کرده است. ضمیرکابولوف، نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان که طراح سیاست‌های اخیر کرملین در مورد افغانستان است، چپ و راست مصاحبه می‌کند و خواستار خروج نیروهای امریکائی و ناتو از افغانستان می‌شود. روسیه، پس از اعلام ستراتیژی جنوب آسیای کاخ سفید، این موضع را اتخاذ کرده است. مسکو از سال ۲۰۱۶ به انتقاد از حضور نیروهای امریکائی در افغانستان آغاز کرد و از اگست سال ۲۰۱۷ خواستار خروج نیروهای امریکائی شد. کابولوف در یکی از مصاحبه‌هایش بسیار صریح گفت که در مورد خروج نیروهای امریکائی از افغانستان، کرملین و شورای کوئته موضع مشترک دارند.

موضع‌گیری اخیر برخی نمایندگان پارلمان در مورد پیمان امنیتی و دفاعی با ایالات متحده هم با موضع‌گیری‌های اخیر روسیه و ایران به هیچ‌وجه بی‌ربط نیست. روسیه، ایران و قدرت‌های منطقه‌ای دیگر در مناسبات افغانستان نفوذ دارند. نفوذ این کشورها هم بسیار دیرینه است. این نفوذ از طریق پرداخت امتیازهای مادی برای برخی از سیاستمداران افغان، تأمین می‌شود. چنین چیزی سابقه تاریخی هم دارد. در خاطرات اسدالله علم، رئیس دفتر

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

محمدرضا پهلوی آخرین شاه ایران آمده است که شاه ایران در سال ۱۳۵۱ به سفیرش در کابل توصیه کرده بود که برای تصویب قرارداد تعیین رژیم حقوقی رودخانه هلمند که در همان سال میان دو کشور به امضا رسیده بود، برای نمایندگان ولسی جرگه افغانستان پول بپردازد. شاه ایران نگران نفوذ شوروی در پارلمان وقت افغانستان بود. در آن زمان طرفداران شوروی مخالف سرسخت امضای قرارداد تعیین رژیم حقوقی رودخانه هلمند میان افغانستان و ایران بودند. کارمل و امین رهبران سازمان‌های چپ طرفدار شوروی بودند که در آن زمان عضویت پارلمان را داشتند. آنان در آن زمان تلاش می‌کردند تا قرارداد تعیین رژیم حقوقی رودخانه هلمند و مشخص شدن سهم ایران از آب این رودخانه در مجلس افغانستان رای نگیرد. آخرین شاه ایران درک عمیقی از نفوذ شوروی در افغانستان داشت و به همین دلیل به سفیرش در کابل توصیه کرده بود تا با پرداخت پول در پارلمان نفوذگذاری کند و قرارداد را به تصویب برساند.

تنها نمایندگان پارلمان نبودند که با دریافت پول به ساز برخی از کشورها می‌رقصیدند. انقلابی‌های چپ آن زمان هم از شوروی جیب‌خچی می‌گرفتند. در آن زمان، هم دستگاه دولت افغانستان و پروژه‌های آبادانی به پول بیرونی نیاز داشت و هم انقلابی‌های طرفدار اصلاحات سوسیالیستی و مدرن‌سازی نظام اجتماعی و اقتصادی، وابسته به پول کشورهای خارجی بودند.

امروز هم همان وضعیت است. صدای کشورهای منطقه از گلوئی نمایندگان پارلمان بلند می‌شود. نمایندگان پارلمان می‌دانند که پیمان امنیتی و دفاعی با آمریکا زمینه حقوقی حمایت ستراتیژی آمریکا و ناتو از نیروهای امنیتی افغانستان را فراهم کرده است. تقریباً هر شب طیارات غول‌پیکر ناتو در میدان هوایی کابل به زمین می‌نشینند و برای نیروهای امنیتی مهمات می‌آورند. تنخواه ماهانه افسران و سربازان اردو و پولیس پرداخت می‌شود. تیل مورد نیاز رنجرها و هاموی‌های اردو و پولیس هر روز اکمال می‌شود، انبارهای مواد غذایی و سوختی وزارتخانه‌های دفاع و داخله مملو از مواد است. اگر نمایندگان در این مورد نمی‌دانند، بروند و از بخش‌های تأمینات و لجستیک وزارتخانه‌های دفاع و داخله بپرسند. جالب این است که قرارداد تأمین مواد غذایی و سوختی برای نیروهای امنیتی را هم اعضای خانواده نمایندگان پارلمان یا نزدیکان سیاستمداران مشهور دارند. هر سال تقریباً ۵ میلیارد دالر برای تأمین مصارف نیروهای امنیتی افغانستان از سوی کشورهای عضو ناتو به خصوص ایالات متحده پرداخت می‌شود، در نبود پیمان امنیتی و دفاعی با آمریکا، از کجا می‌توان این پول و مصارف را تأمین کرد؟

نمایندگانی که حنجره‌های شان را برای کشورهای دیگر اجاره داده‌اند حتماً می‌دانند که هیچ کشور منطقه به شمول چین و روسیه، اقتصادهای قدرتمندی نیستند که بتوانند پنج تا ده میلیارد دالر به افغانستان بپردازند و نیروهای خاص و هوایی‌شان را در این‌جا مستقر کنند، تا کابل به دست طالبان سقوط نکند. روسیه یک اقتصاد نفتی است. اقتصاد متکی به صادرات نفت و گاز روسیه به دلیل تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا کم‌رونق شده است. این قدرت بزرگ هسته‌ای تنها می‌تواند برای طرفدارانش جیب‌خچ بدهد. روسیه می‌خواهد از تحریم احتمالی نفت ایران سود ببرد و تولیدات نفتی خودش را به بازار جهانی عرضه کند. روس‌ها قادر نیستند که حتی تیل ارتش و پولیس افغانستان را برای یک ماه تأمین کنند. هیچ کشور منطقه نه اراده تأمین مالی و امنیتی افغانستان را دارد و نه به آن بها می‌دهد.

روسیه امروز، شوروی دیروز نیست. افق دید روسیه از آسیای میانه بیشتر گسترش نمی‌یابد. برای آنان شمال افغانستان خط سرحدی است که باید مدیریت شود. آنان می‌خواهند در این خط سرحدی، آمریکا را با چلنج روبرو کنند. آنان هدفی فراتر از این ندارند. روسیه امروز مثل شوروی دیروز یک ایدیولوژی پیش‌رو را نمایندگی نمی‌کند. ایرانی‌ها که خودشان را قدرت برتر غرب آسیا می‌شمارند، حیثیتی فراتر از خط مرزی به افغانستان قایل نیستند. آنان هم فکر می‌کنند که با تأمین رابطه با چند سردهسته طالبان سرحدات شرقی‌شان را بیمه می‌کنند. تنها نیرویی که می‌تواند از سقوط کابل جلوگیری کند، ناتو است. در حال حاضر تنها ناتو و ایالات متحده قادر به حمایت ستراتیژیک از نیروهای امنیتی افغانستان است.

گسترش فعالیت‌های طالبان و افزایش مناطق زیر کنترل آنان هم ربطی به پیمان امنیتی ندارد. وقتی نیروهای رزمی ناتو خارج شدند، ساحة فعالیت‌های طالبان گسترش یافت. نیروهای رزمی ناتو به شدت با تجربه، مجهز و با انگیزه بودند. در زمان قوماندانی جنرال پترایوس در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ هیچ والی نام‌نهاد طالبان نمی‌توانست در داخل افغانستان زنده بماند. شمار حمله‌های تروریستی به شهرهای افغانستان هم بسیار کم شده بود. شاید کسی بی‌خبر از این واقعیت نباشد که تا روی کار آمدن اوباما در کاخ سفید، سرمایه‌گذاری جدی روی اردو و پولیس افغانستان نشده بود. پس از نشست لیسبون در سال ۲۰۱۰ جامعه جهانی تصمیم گرفت که نیروهای امنیتی افغانستان را تقویت کند. روشن است که نهاد‌های که هشت سال از تأسیس‌شان سپری می‌شود، نمی‌توانند به درستی وظایف‌شان را انجام دهند، آن هم در وضعیتی که فساد مالی بیداد می‌کند.

تردیدی ندارم که ستراتیژی خروج اوپاما غلط بود. روایت آشتی با طالبان که برای معقول جلوه دادن خروج نیروهای رزمی ناتو طراحی شده بود، هیچ منطق قابل دفاع نداشت. حامد کرزی، اشرف غنی رئیس وقت کمیسیون انتقال مسئولیت‌های امنیتی، بسم الله خان وزیر دفاع وقت، داوودزی وزیر داخله آن زمان و مقام‌های دیگر باید پاسخ بدهند که به چه دلیل با ستراتیژی خروج و روایت آشتی توافق کردند؟ آیا آنان نمی‌دانستند که طالب نیرویی ایدئولوژیک است و حتا خروج آخرین سرباز ناتو هم آنان را وادار به توافق سیاسی با کابل نمی‌سازد؟ کسانی که می‌خواهند اوضاع را بررسی کنند، باید از کسانی که نامبرده شده، همین سوال‌ها را بپرسند.

برخی از نمایندگان پارلمان هم در نقش دیپلمات‌های کشورهای همسایه ظاهر می‌شوند و بسیار صریح می‌گویند که پیمان امنیتی با امریکا روابط کابل با همسایه‌ها را خراب کرده است. در عامیانه بودن این سخن تردیدی نیست، ولی باید برای این نمایندگان یادآوری کنیم که حامد کرزی در سخنرانی پایانی جرگه‌ای که برای مشورت روی پیمان امنیتی با امریکا فراخوانده شده بود، گفت که مجموع کشورهای همسایه به شمول روسیه و چین به او مشوره داده اند که این سند را امضاء کند. وقتی کرزی از امضای این سند خودداری کرد، هیچ کشوری در منطقه از این موضع کرزی حمایت علنی نکرد. اگر این کشورها روی پیمان امنیتی و حضور محدود نظامی و مستشاری امریکا و ناتو در این‌جا ملاحظه می‌داشتند، حتماً از موضع کرزی در آن زمان حمایت می‌کردند. امروز که روابط بین قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و امریکا خراب شده است، بازتاب آن را در سیاست داخلی افغانستان می‌بینیم.

مخالفت برخی از نمایندگان مجلس و سیاستمداران با پیمان امنیتی با امریکا را تنها می‌توانیم صدای روسیه و ایران توصیف کنیم. البته نمایندگان پارلمان و سیاستمداران مخالف ارگ حق دارند از تطبیق پیمان امنیتی و دفاعی با امریکا نظارت کنند.

اگر بخشی‌هایی از این پیمان هنوز اجرائی نشده باشد، نمایندگان پارلمان حق دارند که از حکومت سوال کنند که به چه دلیل آن بخش‌ها اجرائی نشده است. انتقاد از اجرائی نشدن بخش‌های از پیمان امنیتی با امریکا، موضعی مشروع است، بازنگری پیمان امنیتی با امریکا هم می‌کانبی‌می‌دارد که در خود این سند درج است، اما تلاش برای زیر سوال بردن مشروعیت کل این پیمان و مطالبه لغو آن، ربطی به مردم افغانستان ندارد و به سود کشورهای دیگر است.

پایان